



محمد سرور جوادی

## راه مزاری

وقت حیاتش دشمنی کردند پس از او مورد ستایش قرار دادند و همین وضعیت هم رهروان اصلی و یاران او را غافل نمود و گروهی آهسته و نامحسوس به دشمنی فکری خود با مزاری و آرمان‌هایش ادامه دادند و ده‌ها کتاب و جزوه نوشتند و حتی دست به تدوین تاریخ زندگی و سرگذشت مزاری یازیدند تا خاموشانه سیمای مقلوب از مزاری برای تاریخ و نسل‌های بعدی ارائه نمایند.

از همین رو سوال مزاری کیست؟ پرسش اساسی نسل امروز است و پاسخ آن نیاز جدی نسل‌های فرداها و تاریخ، در نظر عاشقان مزاری این‌گونه وانمود شده است که راه مزاری یعنی نبرد و خصومت با همه و قبول نکردن هیچ نوع تعامل سیاسی با قدرت، دولت و احزاب و اقوام غیر هزاره و در نظر مردمان غیر متعهد به مزاری تعهد او به هم‌پذیری و وحدت ملی و در نهایت شکل‌گیری یک ملت بشدت زیر سوال می‌باشد چون فکر می‌کنند وحدت ملی یعنی تسلیم بودن محض و صدا برنکشیدن در برابر آن‌ها، کاری که مزاری هرگز نکرد و باورش برخلاف آن بود. از نظر مزاری وحدت ملی یعنی هم‌پذیری و قبول واقعیت‌ها و برابری شهروندی. مزاری هرگز قبول بی‌عدالتی را راه رسیدن به وحدت ملی نمی‌دانست همان‌گونه که خودباوری و هویت‌یابی را در شعارهای افراطی نفی هرکس نمی‌دانست. ایشان در عین خواستن عدالت و نفی تبعیض و استبداد تاریخی هم‌سویی و هم‌نوایی با همه اقوام و پذیرش واقعیت‌ها را راه رسیدن به وحدت ملی و وحدت ملی را ضرورت و نیاز حیاتی جامعه می‌دانست.

گم‌شدن مزاری بین افراط و تفریط و این‌که عده‌ای مزاری را وسیله دشمنی و نفرت‌پراکنی میان هزاره‌ها و دیگر اقوام و دولت قرار دهند و عده‌ای هم او را ابزاری برای توجیه سرکوب حرکت‌های دادخواهانه و خاموش کردن صداهای عدالت‌خواهانه می‌دانند که هر دو، رفتن به بیراهه است و خیانت به راه مزاری. از این‌رو به شدت نیاز به شناخت مزاری احساس می‌شود و این کار باید بدور از احساسات و شعارگرایی و در فضای کاملاً علمی و عقلانی باید صورت گیرد.

رهبر شهید بامبارزات نفس‌گیر و خستگی‌ناپذیرش راهی را فراروی مردمش گشود که با شهادتش به عنوان دین و مسئولیت بر گردن یاران و رهروانش ماند، همه آن‌هایی که خود را متعهد به آرمان‌های او می‌دانستند از فرادای شهادت او در تلاش ادامه راه او بودند، شرایط سخت و دشواری بر این جمع حاکم بود. چون با سقوط سنگر اصلی مزاری در غرب کابل و شهادت خود او، هم رهبر، هم لشکر و هم سنگر را از دست داده بودند، از سوی دیگر دشمنان مزاری و مردم پیرامون و رهرو او بلافاصله از فرصت سود جسته در پی تسخیر پایگاه‌های مزاری در عمق هزارستان برآمدند و لشکرکشی مغرورانه‌ای را شروع کردند. ازینرو رهروان و یاران او در اولویت کارشان احیای دوباره سنگرها و آرایش مجدد نیروها و حفظ اقتدار و انسجام تشکیلات بر جای مانده از مزاری بود و در این امر موفق و سربلند میدان شدند، راه مزاری به درستی و با اقتدار ادامه یافت و مقاومت‌های سر فرازان‌های دوباره شکل گرفت.

آرمان و دغدغه اصلی مزاری جستجوی عدالت، نفی تبعیض، حضور مردم در تعیین سرنوشت شان، مشارکت سیاسی، خودباوری و احیای هویت سیاسی مردمی که انتساب شان به یک قوم جرم و ننگ بود و در نهایت شکل‌گیری دولت-ملت مدرن بود. رهروان مزاری این اهداف را در نبرد و مقاومت و در بازی‌های سیاسی دوره و شرایط پسا طالبانی تعقیب کردند و تا حدود زیادی موفق شدند. لیکن یا شدت درگیری و دشواری چانه‌زنی‌های سیاسی و یا کم‌توجهی و یا رقابت و خودخواهی یاران و رهروان و یا همه این عوامل مشترک باعث شده که مزاری آن‌گونه که باید معرفی نگردد و خطر این وجود دارد که راه اصلی و شخصیت واقعی مزاری بین افراط و تفریط شعارگرایان گم شود.

شرایط پس از مزاری و موفقیت‌های بزرگ نظامی و سیاسی رهروان او تغییرات زیادی را در افکار عمومی در سطح ملی و قومی به میان آورد و خیلی‌هایی که با مزاری در